



## نماز شکسته

### بررسی چند مجموعه شعر کودک با موضوع نماز

یحیی علوی فرد

شعر کودک و نوجوان، همزمان با انقلاب اسلامی در ایران، رشد شتابدارش را آغاز کرد. موضوعات دینی، یکی از اصلی‌ترین مباحث در شعر کودک پس از انقلاب است. آثار دینی و آیینی، عموماً توسط مؤسسات و ناشران دینی، تهیه و تولید می‌شوند. چرخه تولید کتاب خوب دینی، زمانی کامل می‌شود که نویسندگان و شاعران حرفه‌ای کودک و نوجوان هم، ضلعی از این جریان باشند. متأسفانه، نگاه سطحی و غیر کارشناسانه در برخی مؤسسات و مراکز نشر، هیچ وقت نتوانسته است شکاف بین نویسندگان حرفه‌ای کودک و مؤسسات دینی را پر کند. این موضوع به «شعر آیینی کودک و نوجوان»، بزرگ‌ترین ضربه رازده است. هر چند در موضوعات دینی، از نظر کمی با آثار فراوانی روبه‌رو هستیم، اما از نظر کیفی، جای کار بیشتری احساس می‌شود. نماز، یکی از موضوعات مهم در شعر و ادبیات کودکان است. پرداختن به موضوع نماز، برای کودکان - که معمولاً هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند -، شاید چندان ضرور به نظر نرسد؛ اما اهمیت دادن مؤسسات دینی و خانواده‌های مذهبی، باعث شده است که آثاری با این موضوع برای کودکان تهیه شود. به صورت کلی می‌توان شعر نماز کودک را در دو بخش، مورد پژوهش قرار داد: بخش اول: آثار آموزشی و بازاری، بخش دوم: آثار هنری و تربیتی. بخش بزرگی از آثار نماز را می‌توان کارهای بازاری و صرفاً آموزشی دانست. برای آسیب‌شناسی این آثار، بنده هفت عنوان از

کتاب‌های ستاد اقامه نماز را که این آسیب‌ها را داشتند، به صورت مفصل بررسی کرده‌ام. البته راه‌کارهایی نیز برای برطرف کردن این آسیب‌ها پیشنهاد می‌دهم.

کتاب‌های بررسی شده در این نوشتار، عبارتند از: «جمعه یکی یه دونه»، «نردبام آسمان»، «نماز خوندن چه لذتی داره»، «رضای ریزه میزه»، «قشنگ‌ترین خاطره»، «باغ نماز»، و «بهترین جام».

سعی نگارنده بر این بوده که چهار عنصر: زبان، محتوا، تخیل و موسیقی را در این آثار بررسی کند.

### ۱. زبان

کودکان دارای گنجینه واژگانی محدود هستند. همچنین در سنی هستند که از راه تقلید، ساختار زبان را می‌آموزند. عجز بودن و کم‌دقت بودن هم از ویژگی‌های خاص سن کودکی است. بنا بر این، لازم است زبان شعرهای کودک، کودکانه باشد. همچنین تا جایی که ممکن است، ساختار دستوری زبان به هم نریزد و این که لازم است شعرها از نهایت ایجاز و کوتاهی برخوردار باشند. با این گفتار، گشتی در این آثار می‌زنیم.

### یک. زبان کودکانه نه بزرگسالانه!

در این آثار، زبان کودکانه، کمتر رعایت شده است و تکیه کلام‌ها و واژه‌های بزرگسالانه در

سراسر کتاب به کار رفته‌اند. چند نمونه را با هم می‌خوانیم.

یکصدا گفتن همه: / بزرگ تویی خدایا  
(نردبام آسمان، ص ۳).

این تعبیر، ویژه بزرگسالان است و کودکان به صورت خودجوش چنین هیجاناتی را از خود نشان نمی‌دهند. تحمیل کردن زبان بزرگسالانه و نگاه بزرگسال به کودکان، زیبایی و جذابیت کار را پایین می‌آورد.

تو درس و علم و تحقیق / همیشه  
پرتلاش بود / دشمن اونو دوست نداشت /  
چون خطری بر اش بود // بابای مهربونش  
/ جوون و بی گناه بود / اما اونو ترور کرد /  
دشمن پست و حسود (بهترین جام، ص ۵).

البته کتاب «بهترین جام»، کاملاً یک نگاه بزرگسالانه است مخصوصاً عباراتی که در دو بند فوق آمده است. تمام واژه‌ها همان واژه‌های بزرگسالان است و واژه‌ها به هیچ وجه به دایره واژگانی کودکان تعلق ندارند.

البته این مسئله در تمام کتاب‌های نامبرده شده، کم و بیش وجود دارد. برای رعایت اختصار به نمونه‌های کمی بسنده کردم.

### دو. رعایت دستور زبان

نکته دیگر، رعایت دستور زبان و سلامت زبان است. شاعر غیر حرفه‌ای، گاهی در تنگنای وزن یا قافیه، دستور زبان را فدای آن

شاعر آن، تصوّر روشنی از شعر کودک و اهمیت و جایگاه آن ندارد.

### سه. یک دستی زبان شعرها

یکی از آسیب‌های این مجموعه‌ها، یک دست نبودن زبان شعرهاست. مثلاً شاعری که نگاه حرفه‌ای ندارد، برای درست کردن وزن یا قافیه، گاهی کلمه «نعمت‌ها» را در شعرش به همین شکل می‌نویسد و گاهی به شکل «نعمتا». همچنین «را» گاهی به صورت «را» آمده و گاهی «رو». این نیز از ضعف‌های عمده در کتاب‌های یاد شده‌اند.

ایجاز و کوتاه‌نویسی از ویژگی‌های مهم در شعر کودکان است. کودک عجز و کم‌دقت، قدرت تمرکز طولانی ندارد تا بتوان برای او یک منظومه شعر طولانی را خواند. اگر جذابیت‌ها و گره‌افکنی‌های داستان نیز نبود، کودکان از آنها نیز استقبال نمی‌کردند. تمامی کتاب‌های یاد شده، از درازنویسی رنج می‌برند.

البته مطالب در این زمینه بسیار است که بنده به خاطر اختصار، به نمونه‌های مهم‌تر اشاره کردم.

### ۲. محتوا

محتوای شعرهای کودک در دو سطح آموزشی و پرورشی ارائه می‌شوند. به جرئت می‌توان گفت که: تمامی این آثار در سطح آموزشی هستند و از هنر و پرورش در آنها خبری

می‌کند. شاعر حرفه‌ای، هیچ وقت سلامت زبان شعرش را فدای اینها نمی‌کند؛ زیرا توانایی تغییر وزن یا قافیه را دارد؛ اما شاعر تازه‌کار، به راحتی تسلیم سختی وزن و قافیه می‌شود. به این نمونه‌ها دقت کنید.

خانم معلم می‌خواست / نشون بده به اونا / کاردستی‌های زیبا / نقاشی‌های خدا (نردبام آسمان، ص ۲)

در مصراع سوم، حرف اضافه «رای مفعولی» افتاده است که غلط دستوری محسوب می‌شود. در واقع باید گفته می‌شد: کاردستی‌های زیبا را.

کی داد به ما اینارو / نعمت‌های فراوون / دنیا به این قشنگی / جز خدای مهربون؟ (نردبام آسمان، ص ۴).

این بند از شعر، به شدت از ضعف تألیف رنج می‌برد. این پیچیدگی معنایی هم از همین خراب شدن دستور زبان ناشی شده است.

حال با اندکی تغییر و جابه‌جایی، ببینیم آیا جمله، قابل فهم‌تر می‌شود یا نه؟ پیشنهاد من برای این بند این است:

دنیا به این قشنگی / نعمت‌های فراوون / کی داد به ما اینارو / جز خدای مهربون؟ این ضعف تألیف در تمامی کتاب‌های یاد شده مشاهده می‌شود و نشان می‌دهد که

### سه. جذابیت هنری

نکته سوم نیز این است که برای جذب کودکان به این مفاهیم، و رقابت با رسانه‌ها، باید راهی جذاب و هنری برای ارائه مفهوم پیدا کرد. مثلاً قالب نظم و وزن و قافیه. البته

در بحث موسیقی، در این

باره بیشتر توضیح می‌دهم.

■ در ارائه مفاهیم

دینی به کودکان،

سه مرحله باید توسط

کارشناسان این امر

رعایت شود: انتخاب

موضوع متناسب با

سن و زندگی امروز

کودکان؛ ساده

و کاربردی کردن

همان مفهوم برای

کودکان؛ ارائه مفهوم

مورد نظر با استفاده

از جذابیت‌های

هنری. ■

به این امر توجه کمتری شده است. کتاب‌ها، ملغمه‌ای از مفاهیم حسی و انتزاعی است. به این دو نمونه توجه کنید:

گل‌های سرخ و سفید / گل صفا و امید (باغ نماز، ص ۳).

کودکان نمی‌توانند گل صفا و گل امید، را در ذهنشان تجسم کنند؛ زیرا صفا و امید، دو

نیست. در ارائه مفاهیم دینی به کودکان، سه مرحله باید توسط کارشناسان این امر رعایت شود: انتخاب موضوع دینی متناسب با سن و زندگی امروز کودکان؛ ساده کردن و کاربردی کردن همان مفهوم برای کودکان؛ ارائه مفهوم مورد نظر با استفاده از جذابیت‌های هنری.

### یک. انتخاب موضوع

موضوع نماز، دغدغه کودک نیست. اگر هم ما بخواهیم آن را در زندگی کودک وارد کنیم، باید ابتدا ببینیم که مفهوم مورد نظر ما برای کودک چیست؟ آیا تنها می‌خواهیم یکی از مناسک دینی را یادش بدهیم، یا این که کودک را جوری بار بیاوریم که خودش به سمت عبادت و خدا جذب شود؟ این، قدم اول ماست. بنده معتقدم که بهتر است ما مفاهیم و حواشی خداپرستی و نماز را برای کودکان بیان کنیم. پرداختن مستقیم به موضوع نماز، چه بسا کودکان را خسته کند.

### دو. ساده‌سازی مفهوم

قدم دوم این است که باید مفهوم مد نظر ما برای کودک، ساده و کاربردی شود؛ یعنی بتواند در زندگی کودک جاری شود و ما بتوانیم اثرات خودجوش آن را در کودک ببینیم، نه اثرات تحمیلی و سخت‌گیرانه را. کودکان خودشان از راه تقلید، مناسک دینی را از بزرگان یاد می‌گیرند.

مفهوم ذهنی هستند.

خدا که بی‌نیازه / نماز، ما رو می‌سازه (نماز خواندن چه لذتی داره، ص ۷).

نماز، ما را چگونه می‌سازد؟ من و شمای بزرگ‌سال، انسان‌سازی نماز را می‌فهمیم و درک می‌کنیم؛ چون ساختار ذهنی ما پیش‌رفته است. کودک، ساختن را در ظاهر اشیاء می‌داند و آنچه او تصوّر می‌کند، آن چیزی نیست که ما می‌گوییم.

زاویه دید بزرگ‌سال در آثار کودک، یک

آسیب بزرگ محسوب

می‌شود. دلگیر بودن روزهای

جمعه، برای من و شمای

مذهبی، رنگ و بوی غربت و

جمکران دارد. برای کودکان

و حتی برخی از بزرگ‌سالان،

این حس وجود ندارد.

تحمیل کردن فکر بزرگ‌سال

به کودک، درست نیست.

این امر در کتاب «جمعه

یکی یه دونه» (ص ۸) بیشتر

خودش را نشان داده است.

همچنین استدلال‌های

سست، هر چند به صورت

موقت، کار ما را پیش می‌برد؛

اما در درازمدت نمی‌تواند مشکل‌گشا باشد.

### ■ زاویه دید

بزرگ‌سال در آثار

کودک، یک آسیب

بزرگ محسوب

می‌شود. دلگیر

بودن روزهای

جمعه، برای من

و شمای مذهبی،

رنگ و بوی غربت

دارد ولی برای

کودکان این حس

وجود ندارد. تحمیل

کردن فکر بزرگ‌سال

به کودک، درست

نیست ■

در کتاب «قشنگ‌ترین خاطره» (ص ۷ به

بعد)، دو خانواده را با هم مقایسه می‌کند

که یکی از آنها اهل نماز است و دیگری اهل

سی دی و فیلم. آن خانواده‌ای که اهل نماز

است، کاملاً سفید است و آن خانواده‌ای که

اهل فیلم و سی دی است، کاملاً سیاه. به نظر

من اهل نماز بودن و دنبال فیلم و سی دی

بودن، منافاتی با هم ندارد. همچنین آن جا

که شیطنت کودکی به نام رضا را در حدّ یک

انحراف بزرگ دیده است، درست نیست. این

در نگاه بزرگ‌سالانه من و شما وجود دارد.

تعمیم دادن و حکم صادر کردن و سیاه‌نمایی

با استدلال‌های سست، در ادبیات کودک،

بسیار خطرناک است.

نکته دیگر این که اگر ما بتوانیم به زاویه

دید و نگاه و زبان کودک برسیم، کودکان به

راحتی می‌توانند مفاهیم دینی را بفهمند. این

باعث می‌شود که کودکان، دین را آسان ببینند

و ارتباطشان با دین، پایدار شود. اما زبان

سخت، مفاهیم سخت، و نگاه سخت‌گیرانه

و بزرگ‌سالانه، دین را مفهومی سخت جلوه

می‌دهد. کودک نیز فکر می‌کند که دین، بسیار

سخت است و از آن گریزان می‌شود.

### ۳. تخیل

تخیل در کودکان، بسیار شدید است.

کنترل و هدفمند کردن تخیل به کودک مجال

می‌دهد. ما برای پرورش دینی کودکان، به این نوع شعرها نیاز داریم.

#### ۴. موسیقی

موسیقی کلامی، به خودی خود جذاب است. استفاده از وزن و قافیه و موسیقی‌های درونی و معنوی، کلام را از حالت عادی خارج می‌کند. این باعث شده است که در آموزش مفاهیم دینی و پرورش نیز از این قابلیت بهره‌برداری شود. البته این امر، زمانی محقق می‌شود که اصول موسیقی کلام به خوبی شناسایی و به کار برده شود. اما اگر همین موسیقی زیبایی‌آفرین، خودش دچار مشکل شود، هدف ما را که ایجاد جذابیت است، برآورده نمی‌کند.

در این جا سؤال این است که آیا شعری که مشکل وزن و قافیه دارد، جذاب‌تر است یا یک نثر روان و بدون اشکال؟ من معتقدم نثر روان، بهتر از شعر و نظم است که مشکل وزن و قافیه دارد. بنا بر این اگر کسی وزن و قافیه را خوب نمی‌شناسد، بهتر آن است که حرف‌هایش را در قالب نثر بنویسد، نه نظمی که در بی‌نظمی غوطه‌ور است.

شناخت وزن و کاربرد هر یک از وزن‌ها، شناخت قافیه و ردیف و موسیقی‌های دیگر شعر، نیاز به تمرین و ممارست و دیدن استاد دارد. تفاوت یک شاعر حرفه‌ای در این

خلاقیت می‌دهد. ما با استفاده از ادبیات و شعر می‌توانیم تخیل کودکان را نظام‌مند کنیم؛ اما به شرطی که بتوانیم شعر را به سطح تربیتی برسانیم و فکر کودک را درگیر کنیم، نه این که ذهن کودک را به یک انبار و آرشيو بدون استفاده تبدیل کنیم. پرورش خلاقیت و تخیل و تفکر کودکان با استفاده از تصاویر شاعرانه، آسان‌تر است. اما آنچه ما در کتاب‌های یادشده می‌بینیم، یک سری آموزه‌ها و حفظیات است، بدون هیچ‌گونه پرورشی در فکر و اندیشه کودک. برای روشن شدن این بحث، یک شعر پرورشی را از خانم مریم هاشم‌پور با هم می‌خوانیم. شما این شعر را با کتاب‌های یادشده مقایسه کنید و ببینید کدام یک، تفکر کودک را نمازخوان و خداشناس بار می‌آورد.

خیلی برایم جالب است / این گندم زیبا و زرد / از روی خطش می‌توان / آن را به دقت نصف کرد // نصفش برای مورچه / نصفش برای یاکریم / شاید خدا می‌خواسته / یک دانه را قسمت کنیم // خط خدا این شکلی است / به به چه خط جالبی / پس بیخودی پیدا نشد / خط‌های روی طالبی.

این شعر، به تنهایی بار پرورش دینی را به عهده می‌گیرد. کودک را به تفکر و حیرانی وا می‌دارد و نگاهش را به جهان پیرامون تغییر

است که چه قدر وزن و قافیه و ظرفیت‌های موسیقی کلامی را می‌داند. تنها اعتماد به نفس کاذب می‌تواند یک شاعر تازه‌کار را بر آن دارد که به سرودن شعر کودک و چاپ آن به صورت کتاب دست بزند.

من کتاب‌های هفتگانه یادشده را مطالعه کردم. برخی از اشکالات عمده موسیقایی در آنها را با هم می‌خوانیم.

### یک. وزن شعر

همه این هفت کتاب در وزن اتل متل تتوله (مفاعِلن فعولن) است که وزنی ساده و در عین حال غلط‌انداز دارد. هر کسی با هر میزان ذوق شعری می‌تواند، کلامش را به این وزن نزدیک کند و حالت موسیقایی به آن بدهد. این وزن به دو صورت عروضی و غیر عروضی ارائه می‌شود. اما در این مجموعه‌ها وزن غیر عروضی آن به کار رفته است. یعنی خواننده باید شکل ظاهری کلمات را به هم بریزد و کلمات را کج و کوله بخواند تا وزن مورد نظر به دست بیاید.

چند نمونه را با هم می‌خوانیم:

یه داداش بامزه > مفاعیلُ مفعولن (رضای ریزه میزه، ص ۲).

وزن این مصراع در حالت استاندارد مفاعیلُ مفعولن است؛ اما خواننده برای درست کردن وزن مورد نظر شاعر، مجبور است این مصراع

را این طوری بخواند تا وزن شعر درست شود: یه دادشی ب مزه > مفاعِلن فعولن  
این نمونه را ببینید:  
بازیکن‌های گردباد > مفعولن فاعِلن فَعَل  
(بهترین جام، ص ۶)

وزن اصلی این مصراع مفعولن فاعِلن فَعَل است؛ اما برای این که به وزن اتل متل تتوله نزدیک شود، خواننده باز هم باید شکل کلمات و خوانندش را جوری تغییر دهد که وزن مورد نظر شاعر درست شود:

بَ زی کُ نایِ گِر باد > مفاعِلن فعولن >  
اتل متل تتوله.

سراینده، وزن را نمی‌شناسد و درست کردن وزن (خراب کردن کلمات) را به گردن مخاطب می‌اندازد.

این وزن در تمام کتاب‌های بالا، دارای مشکل اساسی است. من به این دو نمونه بسنده می‌کنم.

### دو. قافیه بندی

قافیه، موسیقی کناری شعر است. زیبایی پایان بیت‌ها، دل‌انگیز و زیباست. نظم و شعری که وزنش مشکل دارد، اگر قافیه‌اش هم مشکل داشته باشد، دیگر نمی‌توان آن را نظم یا شعر نامید.

اشکالات قافیه در کتاب‌های بالا به فراوانی یافت می‌شود که نشان‌دهنده ناآشنا

بودن سراینندگان به قافیه است.

چند نمونه از اشکالات قافیه را با هم می‌خوانیم:

این بازی آخره / هر تیم برنده بشه /  
هم جامو می‌بره هم / قهرمان ما می‌شه //  
گردباد دو تا گل زده / اما گلی نخورده / علی  
که با تیم باشه / حتماً می‌شه برنده (بهترین  
جام، ص ۳).

قافیه شدن بشه و می‌شه درست نیست.  
نخورده و برنده هم، هم قافیه نیستند.  
شیرینه مثل قنده / اسمش سوره حمده  
(باغ نماز، ص ۷).

قند و حمد هم‌قافیه نیستند.  
آزاده و فرشته / دوست قدیمی بودن /  
همسایه و هم‌کلاس / با هم همبازی بودن  
// با هم غصه می‌خوردن / با هم خنده  
می‌کردن / از بس که با هم بودن / مثل دو  
خواهر شدن // کفش و لباس مثل هم /  
عروسک‌هاشون یکی / تو امتحان درسی /  
یا نمره‌هاشون یکی (قشنگ‌ترین خاطره، ص  
۶).

قدیمی و همبازی، کردن و شدن، عروسک  
و نمره، با هم قافیه گرفته شده‌اند که کاملاً  
اشتباه است!

با جسمی خوش حال و شاد / روزتُ کردی  
آغاز (نماز خونندن چه لذتی داره، ص ۱۳).

شاد و آغاز به اشتباه قافیه شده‌اند.

برف که نگو، ستاره اس / سفید و ریزو  
یخی / ریحانه از دیدنش / کرده تعجب  
خیلی (نردبام آسمان، ص ۳).

■ همه این هفت

کتاب در وزن اتل

مثل تتوله (مفاعله)

فعولن) است که

وزنی ساده و در عین

حال غلط انداز دارد.

هر کسی با هر میزان

ذوق شعری می‌تواند،

کلامش را به این وزن

نزدیک کند و حالت

موسیقایی به آن

بدهد. ■

یخی با خیلی هم قافیه  
آمده که درست نیست.

هرشش تا روز هفته /  
گرفته نام شنبه / اما یکی یه

دونه اس / میون روزا جمعه  
// تا لنگ ظهر می‌خوابن /

بعضی‌ها روز جمعه / یه عده  
هم صبح زود / می‌رن دعای

ندبه (جمعه یکی یه دونه،  
ص ۵).

شنبه با جمعه، و جمعه  
با ندبه قافیه آمده است که

درست نیست.

خدا داده به میثم / یه داداش بامزه / چند  
ماهه راه افتاده / رضای ریزه میزه (رضای  
ریزه میزه، ص ۲).

با مزه و ریزه میزه، نمی‌توانند با هم قافیه  
قرار بگیرند.

در مجموع می‌توان گفت که در این  
کتاب‌ها، هیچ کدام از اصول موسیقی شعر،  
رعایت نشده است.

در این نوشتار کوتاه، سعی شد که آثار



کودک نویسی و زیبایی‌نویسی را می‌دانند.

### حرف پایانی

به راستی مخاطب اصلی کتاب‌های مذهبی کودک چه کسانی هستند؟ آیا کودکانی که در خانواده‌های مذهبی، زندگی می‌کنند یا عموم کودکان جامعه؟ به نظر می‌رسد کودکی که خانواده‌اش مذهبی باشد، به خودی خود، مسائل دینی را یاد می‌گیرد. ما باید بیشتر بر روی دیگر خانواده‌ها سرمایه‌گذاری کنیم. این امر، نیازمند این است که بتوانیم به وسیله کتاب، به خانه این افراد نفوذ کنیم. رعایت اصول هنری در شکل ظاهری کتاب و انتخاب نام جذاب برای کتاب، در این امر بسیار کمک می‌کند. همان‌طور که کتاب کودک را باید نویسنده حرفه‌ای بنویسد، لازم است تصویرگر حرفه‌ای نیز برای آن تصویرسازی کند. تصویر هنری و تخیلی، کودکان را جذب می‌کند. همچنین نام کتاب، در جذب مخاطب، بسیار مهم است. انتخاب نام‌های سطحی، طولانی و مذهبی، می‌تواند عاملی بازدارنده برای خرید کتاب باشد. خانواده‌های غیرمذهبی، هیچ وقت کتابی را که نام مذهبی صرف دارد نمی‌خرند. شاید بهتر باشد ما نام کتاب و توضیحات روی جلد را طوری انتخاب کنیم که بتواند همه اقشار را به خود جذب کند.

هفتگانه فوق، از چهار زاویه بررسی شوند؛ اما به خاطر رعایت اختصار، تنها به اصول مهم‌تر شعر پرداخته شد. امیدوارم قدمی کوچک باشد در راه ارائه کتاب‌های قوی‌تر و بهتر.

### راه‌کارها

پرداختن به نماز به شکلی شکسته و بسته، در واقع، «نمازی شکسته» است. آن هم نه از نوع نماز مسافر. مؤسسات دینی، وظیفه ترویج مفاهیم دینی برای کودکان را به عهده دارند. آنها برای کم کردن آسیب‌های موجود، لازم است که یک گروه کارشناسی کودک داشته باشند. این گروه می‌تواند در سه حیطة، متمرکز باشد:

۱. استخراج و شناخت موضوعات دینی مناسب هر گروه سنی. همان‌طور که می‌دانیم، هر موضوعی نمی‌تواند برای هر گروه سنی‌ای مناسب باشد. پس نیازسنجی و استخراج این مفاهیم، امری ضرور است که از عهده کارشناسان و فعالان حوزه کودک بر می‌آید.

۲. پیدا کردن راه‌کار و قالب برای ساده‌نویسی و کودکانه‌نویسی. این نیز کاری است که تنها از دست کارشناسان و ادیبان عرصه کودک بر می‌آید.

۳. سفارش دادن اثر به شاعران و نویسندگان حرفه‌ای که تمامی اصول